نوروز؛ نكته‏هاى مثبت و منفى‏

هر ملتى فراخور فرهنگ و عقايد و به تناسب سنّت‏هاى ملى و مذهبى خود اعيادى دارند و در آن ايام مجالس جشن و سرور بر پا مى‏سازند. شايد قديمى‏ترين سنّت‏هاى بشرى اعيادى است كه سالى يك بار فرا مى‏رسد و خاطرات ملى و دينى آن ملت را زنده مى‏سازد. «نوروز» هم از كهن‏ترين اعياد ملى ما ايرانيان است كه در طول تاريخ تازه و با نشاط باقى مانده است و سالى يك بار با شميم روح‏افزاى بهارى تجديد مى‏شود. بلكه مى‏توان گفت نوروز، عيد فرا ملى است، زيرا قسمتى از آسياى ميانه و كشورهاى خاورميانه همچون تاجيكستان و كردهاى تركيه و سوريه و عراق نيز چنين مراسمى را هر سال بر پا مى‏نمايند و نوروز را جشن مى‏گيرند. البته ايرانى‏ها اعياد و سنّت‏هاى ديگرى نيز داشته‏اند كه در طول زمان و گذشت دوران از ميان رفته است. ليكن در اين ميان به دلايل خاصى عيد نوروز هم‏چنان باقى و پايدار مانده است.

نگارنده در شماره‏هاى پيشين به مناسبت حلول سال جديد، سه مقاله درباره نوروز نگاشته و ابعاد مختلف آن را بررسى كرده است. در اين شماره با نگاه ديگرى آن را مى‏كاويم و به نكات مثبت و منفى آن مى‏پردازيم.

يكى از مهم‏ترين علل ماندگارى عيد نوروز، پشتوانه ملى و دينى آن و ديگرى مصادف بودن آن با فصل بهار و آغاز سال جديد است. در هر صورت، اين عيد باستانى مشتمل بر يك سلسله مراسم خرافى و منفى است و يك سلسله مسائل معنوى و اخلاقى دارد. اگر نقاط منفى آن را پيرايش نموده و به نقاط سازنده آن بپردازيم بر شكوه اين سنّت باستانى افزوده‏ايم اما نكات مثبت نوروز را مى‏توان اين‏گونه بر شمرد:

جنبه‏هاى مثبت نوروز

1 - درك طراوت و زيبايى‏هاى بهار: بى‏ترديد، بهار فصل زيبا و دل‏انگيزى است. در اين فصل، چهره طبيعت دگرگون مى‏شود، درختان و گل‏ها به شكوفه مى‏نشينند و آواز دل‏نشين مرغان و پرندگان به همراه گل‏هاى بهارى، به انسان نشاط و شادابى مى‏بخشد. مژده فرا رسيدن اين همه زيبايى، با آغاز سال نو، به گوشِ جان آدمى مى‏رسد و خود را براى يك زندگى سالم و متعادل، آماده مى‏سازد. خوشا به حال آنان كه اين طراوت و شادابى را با ياد و نام خدا آغاز كنند و سرود: «يا مقلب القلوب و الابصار...» را با همه وجود، زمزمه كنند.

2 - نظافت: رسيدگى به نظافت خانه و زندگى و غبارروبى و شست و شو و لباس نو دوختن و پوشيدن و خانه تكانى از كارهاى خوب نوروز مى‏باشد، چرا كه نظافت، مطلوب اولياى دين است. پيامبر گرامى اسلام (ص) فرمودند: «الاسلام نظيف فتنظفوا»(1) و «النظافة من الايمان».(2)

3 - كمك به مستمندان: تهيه لباس و آذوقه براى محرومان و يتيمان جامعه از كارهاى پسنديده همه ايام - به ويژه نوروز - است، زيرا طبق سنّت نياكان و به دستور اسلام بايد به محرومان رسيدگى كنيم. اگر براى فرزندان خود لباس نو تهيه مى‏كنيم براى بچه‏هاى اقوام و همسايگان مستمند و يتيمان مردم نيز بايد لباس و خوراك فراهم آوريم تا در شادى عيد بزرگ ملى و اسلامى با ما شريك باشند:

دانى كه را سزد صفت پاكى‏

آن كو وجود خويش نيالايد

تا مردمان گرسنه و مسكينند

بر مال و جاه خويش نيفزايد

تا بر يتيم جامه نپوشاند

اندام طفل خويش نيارايد

4 - خانه‏تكانى روح: كار مثبت و ارزش‏مند ديگرى كه در عيد نوروز انجام مى‏شود خانه تكانى روح است. در اين ايام مردم تمام كينه‏ها و كدورت‏ها را دور ريخته و آغوش محبت را به روى هم باز كرده به ديدن يك‏ديگر مى‏روند، تجديد محبت كرده و هم‏ديگر را مورد عفو و رحمت قرار مى‏دهند. صله رحم - كه در اسلام فوق العاده بر آن تأكيد شده است - در ايام نوروز به خوبى انجام مى‏شود. برادران، خواهران، عمه‏ها، خاله‏ها، عموها و دايى‏ها همگى در آغوش هم قرار گرفته با مبادله كادو و دادن عيدى به جوان‏ها و كمك‏هاى مالى به يك‏ديگر دل‏هايشان آكنده از محبت و شادمانى مى‏شود.

شايد به علت احياى ارزش‏هاى معنوى و اخلاقى است كه عيد نوروز در برابر ساير سنّت‏هاى ملى كه از بين رفته‏اند باقى و ماندگار شده، چرا كه پشتوانه ملى و دينى و احياى فضايل و ايثار و خدمت به اقوام و جامعه، عيد نوروز را همواره نو و با نشاط قرار داده است. هر خانواده‏اى كه در طول سال با هم قهر كرده‏اند مجدداً آشتى و صلح كرده، با هم دوست مى‏شوند.

نگارنده بر اين باور است كه به بركت احياى سنّت‏هاى اسلامى در اين عيد ملى - مذهبى، ائمه اهل بيت (عليهم السلام) نوروز را تأييد كرده و احياناً در اعطاى هدايا به مردم شركت جسته‏اند. معروف است يكى از ايرانى‏ها مقدارى «سمنو» به رسم عيد نوروز به حضرت على (ع) اهدا نموده و ايشان فرمودند: «نيروزنا كل يوم؛(3) اى كاش هر روز نوروز بود». برخى از امامان فرموده‏اند: نوروز هنگامى كه به جمعه افتاد در آن روز منتظر قائم آل محمد (ص) بايد بود. يا فرمودند: روز غدير خم مصادف با عيد نوروز بوده است، قبول شدن توبه حضرت آدم نيز در چنين روزى اتفاق افتاده است.

جنبه‏هاى منفى نوروز

1 - چهارشنبه سورى: بعضى از مردم پيش از حلول نوروز، مراسمى به نام «چهارشنبه سورى» برگزار مى‏كنند و در آن روز براى رفع بلا كوزه‏اى مى‏شكنند و با فال گرفتن يا چارقدِ گره خورده باز كردن و آجيل مشكل‏گشا فراهم ساختن، گمان دارند كه تمام مشكلات آن‏ها گشوده شده و خوش‏بخت مى‏شوند.(4) يا آتشى برافروخته و از روى آن مى‏پرند و مى‏گويند: «سرخى تو از من، زردى من از تو». اين سنّت خرافى كه از دوران آتش پرستى به يادگار مانده است،(5) ضد عقلانى و مشركانه است، چرا كه استمداد از غير خدا، شرك است و تنها بايد از خدا مدد جست و بس.

وانگهى، اين كار يك عمل غير منطقى است چون با پريدن از روى آتش، زردى صورت كسى بر طرف نمى‏شود و سرخى آتش نيز به وى منتقل نمى‏گردد، زيرا اگر واقعاً انسان «زردى» گرفته باشد بايد به جاى پريدن از روى آتش به طبيب مراجعه كند و اگر اين گفته واقعيت ندارد، شايسته نيست انسان سال جديد را با دروغ آغاز كند و اگر صرف تقليد كوركورانه از عمل پيشينيان است از نظر عقل و دين، مطرود مى‏باشد و تأسف‏بارتر از آن اين‏كه گروهى از نوجوانان و جوانان با استفاده از اين بازار آشفته با انفجار ترقه و مواد محترقه رعب و وحشت در ميان شهروندان ايرانى به وجود مى‏آورند و با اين اعمال وحشيانه و ضد اخلاقى خسارت‏هاى روحى و روانى فراوانى به بار مى‏آورند.

هر سال نيروى انتظامى آمارهايى مبنى بر كور شدن افراد و آتش سوزى‏ها و مرگ و ميرها ارائه مى‏دهد، ليكن باز هم برخى از جوان نماها عبرت نمى‏گيرند و اين عمل شنيع را تكرار مى‏كنند. اينان با اين‏گونه اعمال و ايجاد رعب و ترس و سلب استراحت از مردم به ويژه بيماران، كودكان و كهن‏سالان لعنت خدا و ملائكه و نفرين مردم را به جان خود خريده و كارنامه اعمال خود را سياه و تباه مى‏سازند. اگر بانوى باردارى سقط جنين كند، اگر كودك شيرخوارى از ترس بيمار شود گناه مضاعفى در نامه اعمال آن‏ها مكتوب خواهد شد و مضاف بر آن، پدر و مادر چنين فرزندانى از نفرين و لعنت مردم بى‏نصيب نخواهند ماند، چرا كه بى‏توجهى اوليا و مربيان و تذكر ندادن آن‏ها باعث شده تا چنين جوانانى دست به اين‏گونه كارهاى خطرساز بزنند. در سال 67 فقط در تهران حدود 66 مورد استفاده از مواد آتش‏زا باعث تخريب 28 منزل مسكونى و 6 مغازه شد و صدها نفر مجروح به بيمارستان سوانح سوختگى مراجعه نمودند و 235 نفر مجروح و 11 تن كشته شدند.(6) ما از ساير شهرهاى بزرگ و احياناً كوچك‏تر آمارى نداريم وگرنه خسارت‏ها بيش از اين خواهد شد.

از نظر اسلام، ايجاد ترس و وحشت در قلوب بندگان خدا از گناهان كبيره و يك نوع بد اخلاقى است و از نظر قضايى جرم محسوب مى‏شود و قابل تعقيب است. از بعد اخلاقى واجب است اين افراد توبه كنند ولى توبه آن، حلاليت‏طلبى از تمام كسانى است كه از انفجارهاى آنان به وحشت افتاده‏اند و جبران خسارت‏هاى مادى و معنوى كه امكان‏پذير نمى‏باشد.

2 - چيدن سفره هفت سين: چيدن اين سفره، هر چند ضررى به جايى نمى‏زند و به عنوان سنتِ شب عيد رسم شده است، اما بايد دانست كه مبناى عقلى و شرعى ندارد و صرفاً چون گذشتگان چنين مى‏كردند برخى نيز چنين مى‏كنند.

3 - سيزده بدر: يكى از خرافاتى كه جنبه بين المللى پيدا كرده نحوست 13 است به گونه‏اى كه در يكى از ساختمان‏هاى سازمان ملل ديده شده كه طبقه 13 را 1+12 نوشته‏اند تا گرفتار شومى آن نشوند! 13 نوروز را هم برخى از مردم سنّت‏گرا، شوم مى‏دانند و خروج از منزل را ضرورى مى‏پندارند و برخى از محققان سرچشمه آن را به اصحاب الرس مى‏رسانند. مى‏گويند آن‏ها دوازده شهر داشتند كه هر كدام از آن‏ها به اسم يكى از ماه‏هاى شمسى بود. يكى اسمش فروردين و ديگرى ارديبهشت، سومى خرداد، به همين ترتيب... آنان درختان صنوبر را مى‏پرستيدند، چون منبع درآمد خوبى بود. روز اول از تمام 12 شهر به شهر فروردين مى‏آمدند و جشنى بر پا مى‏كردند. فرداى آن روز به شهر ارديبهشت مى‏رفتند، ولى روز سيزده جمع كثيرى به بيابان‏ها رفته و جشن گرفته و پايكوبى مى‏كردند. بنابر اين سيزده بدر سنّتى از بت پرستان و چهارشنبه سورى سنّتى از آتش پرستان به شمار مى‏رفت.(7)

مكتب اسلام، زمان را مقدس شمرده و بر آن سوگند خورده است: «و العصر \* انّ الانسان لفى خسر؛(8) سوگند به زمان كه انسان پيوسته در خسران و زيان‏كارى است». اگر زمانه سياه و نحس مى‏شود به دليل حوادث شومى است كه بشر در آن ايجاد مى‏كند وگرنه آنات زمان، پاك و مستعد تكامل بشر است. هم‏چنين اسلام، پيروى از منجّم و كاهن را خرافى مى‏شمارد، زيرا منجّم مانند كاهن و كاهن همانند ساحر و آن‏هم كافر است. ساحر و كاهن و غيب‏گو، دروغگويند و همگى در آتش جهنم معذّب خواهند شد. در هر صورت آيين اسلام نه تنها خرافات را از جزيرة العرب بر طرف ساخت بلكه از فرهنگ تمام ملت‏ها زدود. با تشكيل جلسات مناظره، يهود و نصارى‏ را كه عزير و مسيح را پسر خدا مى‏دانستند محكوم ساخت و فال بينى و توسل به رمل و جفر را نيز خرافى تلقّى كرد.

خبرگزارى آريا از خرافه‏پرستى به شكل مدرن نيز خبر مى‏دهد. بر اساس اين گزارش اخيراً در برخى از مراكز شهر تهران مثل ايستگاه‏هاى مترو و بازار پوشاك، سنگ‏هايى كوچك در قالب دست‏بند و گردن‏بند راه اندازى شده تا به آرامش روح، خونسردى و افزايش اعتماد به نفس مردم كمك كند.(9)

هر دم از اين باغ برى مى‏رسد

تازه‏تر از تازه‏ترى مى‏رسد

آرى، اين‏ها خرافه‏هايى است كه «عيد نوروز» را سبك و خشن جلوه مى‏دهد و جنبه شادمانه آن را كم‏رنگ مى‏سازد. ملت مسلمان ايران كه افتخار «اسلامى بودن» را دارد بايد از آن‏ها پرهيز كند و بداند كه اسلام همان آيين آزادى بخشى بود كه در آغاز طلوعش با تمام خرافاتى كه در ميان ملل و نحل مطرح بود به مبارزه پرداخت و خرافى‏ترين ملت جزيرة العرب را به آزادى واقعى رسانيد و زنجيرهاى بردگى و اسارت را از دست و پاى انديشه و عمل آنان برداشت: «و يضع عنهم اصرهم و الاغلال التى كانت عليهم».(10) امتى كه زنده به گور كردن دختران را غيرت مى‏دانستند و شبيخون زدن و غارت كاروان‏ها را مردانگى و شجاعت مى‏شمردند به كلى متحول شدند. قرآن دورنمايى از انديشه سياه آنان را در عصر جاهليت چنين به تصوير مى‏كشد: «و اذا بشّر احدهم بالانثى ظلّ وجهه مسوداً فهو كظيم \* يتوارى من القوم من سوء ما بشّر به ايمسكه على هونٍ ام يدّسه فى التّراب الا ساء ما يحكمون؛(11) چون به يكى از آنان مژده تولد دخترى را مى‏دادند از شدت غصه و خشم، صورتش سياه مى‏شد و از كثرت خجالت و ناراحتى، خود را از قوم خويش مخفى مى‏ساخت و در مخفى‏گاه فكر مى‏كرد كه آيا نوزاد دختر را با خوارى و ذلت نگه دارد يا زنده زنده آن را به خاك بسپارد. آگاه باشيد كه تصميم ناروايى مى‏گرفتند.»

گذشته از بعضى رسوم نادرست و آيين‏هاى خرافى كه در اين ايام انجام مى‏شود، اين عيد باستانى چون مصادف با آغاز بهار و زنده شدن زمين و زمان است به ماندگارى آن كمك كرده، قداست آن را مضاعف ساخته و خاطرات شيرين را تجديد مى‏نمايد. بى‏جهت نيست كه در لحظه تحويل سال، اين شعار توحيدى را سر مى‏دهيم:

يا مقلّب القلوب و الابصار

يا مدبّر الليل و النهار

يا محوّل الحول و الاحوال‏

حوّل حالنا الى احسن الحال‏

سردبير

پي نوشت ها:

1) ميزان الحكمه، ج 10، ص 93.

2) نهج الفصاحه، ص 636.

3) من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 300.

4) لغت نامه دهخدا، واژه چهارشنبه.

5) تاريخ تمدن، ج آخر، ص 428، آتش را فرزند خداى روشنايى مى‏دانستند.

6) روزنامه جمهورى اسلامى، 11/12/78.

7) هديه محمدى، از عرشيان تا فرشيان، ص 68.

8) عصر (103) آيات 2 - 1.

9) روزنامه جمهورى اسلامى، 15/10/1386.

10) اعراف (7) آيه 157.

11) نحل (16) آيات 59 - 58.